

تعریف تمدن و فرهنگ

هرسکویتس در تعریف تمدن می نویسد ((تمدن عبارت است از مجموعه ی دانشها ، هنرها ، فنون ، آداب و رسوم تاسیسات نهادهای اجتماعی که در پرتو ابداعات و اختراعات و فعالیت های افراد و گروه های انسانی طی قرون و اعصار گذشته توسعه و تکامل یافته و در تتمم قسمتهای یک جامعه و یا چند جامعه که با هم ارتباط دارند رایج است مثل تمدن مصر تمدن ایران و هر کدام دارای ویژگیهایی است که به عوامل جغرافیایی ، تاریخی و تکنیکی خاص بستگی دارد.)) (روح الامینی ، ۱۳۷۷، ص ۴۹)

مارسل موس : تمدن مجموعه ای است به قدر کافی بزرگ از پدیده های شهر نشینی به قدر کافی متنوع و به قدر کافی با اهمیت از نظر کمی و کیفی و معمولا بین چند جامعه مشترک است. (روح الامینی ، ۱۳۷۷، صص ۴۹-۵۰)

ویل دورانت اندیشه ها و فعالیت های فرهنگی جوامع را وقتی در شمار تمدن به حساب می آورد که شهرنشینی تکامل یافته باشد. وی تمدن را عبارت از نظم اجتماعی می داند که در اثر وجود آن خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می شود و جریان پیدا می کند. وی همچنین تمدن را تابع عواملی چند می داند که یا سبب تسریع در حرکت آن می شود و یا آن را از سیر و حرکتی که در پیش دارد باز می دارد و این عوامل به نظر او عبارتند از شرایط معرفه الارضی ، جغرافیایی ، اقتصادی ، زیستی ، روانی ، نظم سیاسی وحدت زبانی و قانون اخلاقی. (روح الامینی ، ۱۳۷۷، ص ۵۰)

با توجه به تعاریف فوق می توان گفت که هر تمدنی با یک یا چند اندیشه اساسی شکل می گیرد. ممکن است علت شکوفایی تمدنی در عرصه اقتصاد باشد. مثلا تمدن اروپا . تمدن بیشتر

به جنبه های مادی و تکنولوژی زندگی انسانها اشاره دارد. که فراتر از قومیت هاست. میراث انسانها در طول تاریخ بشر می باشد.

افرادی مثل ویل دورانت شهرنشینی را لازمه ی تمدن دانسته اند. با رجوع به تقسیم کار دورکیم شاید به این علت که در شهر به دلیل تراکم جمعیت و افزایش نیازها تقسیم کار پیچیده می شود این تقسیم کار در تمام نهادهای بشری مثل اقتصادی ، سیاسی، اجتماعی اتفاق می افتد. و در این حال با راه یافتن تکنولوژی به آن و شکل گیری ابداعات و اختراعات تمدن بروز می کند. عناصر تمدن می تواند نیازهای مادی ساکنانش را برآورده کند.

تمدن، هویت هر جامعه و از نشانه های بارز فرهنگ آن است. شناخت تمدن هر جامعه کمک می نماید تا نسبت به جهان بینی و دیدگاه آن جامعه نسبت به زندگی پی برد.

تمدن ها پدیده هایی پویا هستند که انشعاب می یابند در هم ادغام می شوند . و سر انجام افول می کنند.